

## تفکر سیاسی در قرآن

### نصف لک زایی

قرآن کریم صد و چهارده سوره دارد. طبق آماري که از روایات ترتیب نزول سوره‌ها به دست آمده است، هشتاد و شش سوره مکی و بیست و هشت سوره مدنی است.<sup>(۱)</sup> در اینکه به چه سوره‌ای مکی و به چه سوره‌ای مدنی گفته می‌شود، اختلاف نظر است. معیار زمان، معیار مکان، معیار خطاب و محتوا و معیار سماع و نص، از جمله معیارهایی است که توسط پژوهشگران علوم قرآنی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.<sup>(۲)</sup> در این مکتوب معیار زمان مورد پذیرش قرار گرفته است؛ یعنی آیاتی که قبل از هجرت پیامبر (ص) به مدینه نازل شده است، مکی و آیات نازل شده پس از هجرت، مدنی است.<sup>(۳)</sup>

پرسشهای مختلفی درباره سیاست و جایگاه آن در قرآن وجود دارد. پرسش‌هایی از قبیل:

آیا به مسایل مربوط به زندگی سیاسی در قرآن توجه شده است؟ مباحثی از قبیل دولت، قدرت، حاکمیت، سلطه، آزادی، عدالت، مشروعیت، مشارکت، مشورت، بیعت، نظارت بر قدرت سیاسی، تمرکز و یا توزیع قدرت سیاسی، روابط بین دولتها و ملتها، حقوق عمومی، معاهدات، جنگ و صلح و سایر مفاهیم و قضایای سیاسی از چه

جایگاهی در قرآن بر خوردار است؟ بر فرض پرداختن قرآن به مفاهیم و قضایای سیاسی، چه بخشهایی از قرآن بیشتر به مسایل سیاسی پرداخته است؟ آیات و سوره‌های مکی یا مدنی؟ آیا ادعای برخی از مستشرقین مبنی بر این که آیات مکی، آیات غیر سیاسی است و پیامبر اسلام (ص) در مکه به سیاست توجه نداشته است و تنها در آیات مدنی است که به سیاست توجه شده است و این هم به خاطر مقتضیات زمانی است که شرایط جدیدی را برای پیامبر (ص) به وجود آورد، ادعایی معتبر است؟<sup>(۴)</sup> برای پاسخگویی به پرسشهای مذکور و نیز ارائه گزارش از مکتوباتی که به موضوع «سیاست در قرآن» پرداخته‌اند، مباحث این یادداشت آمده است.

### ۱- موضوعات سیاسی در قرآن

در این مطلب که قرآن مباحث سیاسی را نادیده نگرفته است، می‌توان گفت که تقریباً اجماع نظر وجود دارد. اگر اختلافی هست، که هست، در این مطلب است که آیا آیات مکی هم به سیاست پرداخته‌اند یا خیر؟ در قسمت دوم بحث به پاسخ این پرسش اشاره خواهد شد.

باید اذعان کرد که مفسرین قرآن تاکنون توجه شایسته و بایسته‌ای به موضوع سیاست در قرآن نداشته‌اند. در میان تفاسیر موجود، آنها که به مباحث سیاسی توجه کرده‌اند، بسیار نادرند.

المیزان (علامه محمد حسین طباطبایی)، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج (دکتر وهبه الزحیلی، ۱۶ مجلد - ۳۱ جزء)، من وحی القرآن (سید محمد حسین فضل الله)، تفسیر راهنما (زیر نظر آیه الله هاشمی رفسنجانی) و تفسیر پیام قرآن (جلد دهم با عنوان قرآن مجید و حکومت اسلامی، زیر نظر آیه الله مکارم شیرازی) از جمله تفاسیری هستند که تا حدی به موضوع مورد بحث پرداخته‌اند.

یکی از کارهای خوبی که درباره قرآن انجام شده است، تهیه معجم معنایی قرآن است. در اینجا با استفاده از اثر مهم «المعجم المفهرس لمعانی القرآن العزیز» به برخی از موضوعات سیاسی که در قرآن درباره آنها صحبت شده است، اشاره می‌شود.

علاقه مندان برای مطالعه این موضوعات و یافتن آیات مربوطه، لازم است به منبع مذکور مراجعه نمایند.<sup>(۵)</sup>

**الف -** اجل الأمم، الاختلاف: رفعه بتحکیم شرع الله، الاخوة الانسانية، الاخوة الايمانية، الاخوة الشيطانية، الارادة الانسانية، الأرض: استخلاف الانسان فيها، الأرض: اعمارها، الأرض: تسخيرها للإنسان، الأرض: النهي عن الفساد فيها، الأرض: وراثه الصالحين لها، الاستقامة، الاستكبار، الإصلاح، الاعراض عن المشركين، الاعراض عن المنافقين، الاعراض عن اليهود، الامام، الأمة، الأمر بالمعروف، الأمم: آجالها، الامم: اختلافها، الامم: ارسال الرسل اليها، الامم: استخلافها، الامم: ظلمها، الامم: هدايتها، الامم هلاكها، الامم: وحدة اصلها، الأمن، الأمن في البيت الحرام، الإنسان: استخلافه و الأيمان: ثمراته: السعادة؛

**ب -** البغى، البيعة وبيعة الرضوان؛

**ت -** التبعية المحموده، التبعية المذمومه، التقليد الاعمى: ذمه، التقوى: تفاضل البشر بها و التنازع.

**ج -** الجهاد: اسبابه: حماية الدين، رفع الظلم و صدّ العدوان؛

**ح -** حدود الله، الحديد، الحذر من العدو، الحرب، حرّية العقيدة، حزب الله، حزب الشيطان، الحزبيّه، الحقّ، الحقّ: وجوب اتّباعه، الحكم بالعدل: وجوبه و الحكم بغير ما انزل الله: ذمّه؛

**خ -** الخير و انواعه، الخيرية: معيارها العرقى: ذمه؛

**د -** داود: استخلافه في الارض، الدعوة الى الله: فرضيتها، الدعوة الى الباطل: ذمها، الدفاع عن الباطل: ذمه، الدفاع عن الحق؛

**ر -** الرأى، الرسل: وجوب طاعتهم؛

**ز -** الرّعامه، الرّكاهة؛

**س -** السّجن، السّعادة، السّعى، السّعى في الخير، السّعى في الفساد، السقوط، السلاح، السلطه، سليمان: ملكه، سنة الله: ثباتها، سنة الله في التّغيير، سنة الله في نصر المؤمنين؛

**ش -** الشّده، الشرّ، شرح الصدر، الشهادة في سبيل الله، الشورى؛

- ص** - الصبر، الصّفح، صلاة الجمعة، الصّلاح، صلح الحديبيه، الصّلح مع العدوّ؛
- ط** - الطّاعة: انواعها: طاعة الله، طاعة الرسل و طاعة اولى الامر؛ الطّاعة: حقيقتها تنفيذ الأمر، طاعة الشيطان: النّهى عنها، طاعة الكافرين: النّهى عنها، الطاغوت، الطغيان؛
- ظ** - الظلم: انواعه: الافتراء على الله، اكل اموال الناس بالباطل، اكل اموال اليتامى، الصّد عن سبيل الله، ظلم الانسان لنفسه، الشّرك بالله، التكذيب بآيات الله، مخالفة أوامر الله؛ الظلم: تنزيه الله عنه، الظلم: النّهى عن موالاة الظالمين، ظهور الحقّ، ظهور الفساد؛
- ع** - العداوة، عداوة الشيطان للإنسان، العدل، العدل: اقامته مع الخصوم، العدل: الأمر به، العقل: ذم تعطيله، العلم: وجوب اتّباعه، علوّ الحقّ، علوّ الطّغيان: النّهى عنه، عمارة الأرض، العمل: حرّية الانسان فيه، العمل الصّالح، العهد: رعايته، العهد مع المشركين، العهد: الوفاء به، العهد: نقضه، العون على الباطل: ذمّه، العون على الخير: الحثّ عليه؟
- غ** - الغزو، الغلبة؛
- ف** - الفتح، الفتح المادى، الفتنة، الفدية، فرعون: استعباده للرعية، فرعون: استكباره، فرعون: افساده، الفرقة، الفساد، الفساد و الملوک، الفسق: محاربتة، فعل الخير: الأمر به، الفقر: علاجه، الفلاح، الفیء، الفئّة؛
- ق** - قتال الكافرين، القبيلة، قتل، القدر الالهى و المشيئة، قدرة الانسان، قدرة الانسان: محدوديتها، القرى: انذار اهلها، القرى: اهلاک اهلها، القرى: خرابها، القرى: خيراتها، القرى: ظلم اهلها، القرى: فساد اهلها، القسط، القسمة الجائرة، القصاص، قصص تاريخيه: اصحاب الفيل، قصص تاريخيه: ذوالقرنين، قصص تاريخيه: مملكة سبأ، القضاء و القدر، قطع الأشجار، قطع دابر الكافرين، القعود عن القتال، القعود مع الظالمين: النّهى عنه، القلب و المسئولية، قلّة علم الانسان، القهر، القوّه، القوّة: الاخذ بها، القوّة: زوالها، القوّة و الأمانة، القوّة: وظائفها: ارهاب العدوّ، القوّة: وظائفها: حراسة الدعوة، القوّة: وظائفها: الدفاع، القيام بالعدل، القيام لله؛
- ك** - الكثرة، الكثرة والقوّه، الكفر، الكفر: صفات الكافرين (الاعراض عن الحقّ، الافساد، البخل، التّرف، التّفرق، التّكبّر، الجهل، حبّ الدنيا، الخسران، الخيانة، الدّل، السّخريه، شرّ البرية، الشّقاء، الضّلال، الطّغيان، الظلم، العداوة، العناد، الغرور، الغفلة،

الغيظ، الفجور، الفسق، كتمان العلم، الكذب، كره الحق، الكيد، معصية الله، المكر، منع الخير، نقض العهود، نكران النعم، النميمة، الهزيمة) صورته، الكفر: النهى عن مداهنة الكافرين، الكفر: النهى عن الكفر: موالاة الكافرين، الكمال؛

ل = اللباس الحربى، الكسان: اختلاف الألسنة، لعنة الله: وقوعها على الظالمين و المنافقين و الكافرين و...، اللون: اختلافه؛

م = المال، المال و الملك، المتابعة (بمعنى اللاحق)، المدينة، المدينة المنورة، المرأة، المرأة: حسن تديرها، المرأة: حرّيتها فى الاعتقاد، المرأة: حقوقها و...، المرأة: مسؤوليتها، المرأة: مشاركتها الاجتماعيه، المصيبة، المعروف، المعيشة، المكر، الملاء، الملك، الملك: ايتاؤه من الله، الملك: تفرّد الله به، الملك الدائم، ملك سليمان، الملة الضّالة، ملك فرعون، الملك و العلم، الملك و القوّة، الملك و الفساد، الملك و المال، الملكيّة، الميزان: الوفاء به؛

ن = نار الحرب: اطفأؤها، الناس، الناس: احوالهم، الناس: اصلهم امة واحدة، الناس: اصنافهم (:الجاهلون، السفهاء، الشاكرون، الغافلون، الفاسقون، الكافرون، المریدون للدين، المریدون للدين و الاخرة، المضلّون، المفسدون، المنافقون، المؤمنون و...) الناس: تبادل المنافع بينهم، الناس: تكليفهم باتباع الاسلام، الناس: حرية اعتقادهم، الناس: الحكم بينهم بالعدل، النبوة، النصارى، النصيح، النصر، النعمة، النفاق، النفاق: صفات المنافقين (:استبطان الكفر، البخل، البغضاء، التذبذب، التظاهر بالايان، الخصام، الذل، الرياء، الضلال، الطغيان، الغيظ، الغرور، الفسق، الكذب، الكسل فى العبادات، مرض القلب)، النفاق: صورته (:الامر بالمنكر، الافساد، الاستهزاء، التخلف عن الجماعة، تحكيم غير الله، التخلف عن الجهاد، التكبر، الخداع، الخروج عن الطاعة، الظلم، موالاة الكافرين، النهى عن المعروف)، النفس: الاستكبار فيها، النفع، نقض العهود، النهى؛

هـ الهجرة، الهجرة: اسبابها (:حرية العبادة، الظلم، نصره الدين)، الهداية، الهلاك: اسبابها؛

و = وراثه الأرض، الوزير، الوطن، وضع الميزان، الوعد، الوعيد، الولاية، ولاية الله، ولاية الله: ثمارها، ولاية الله، ثوابها، ولاية الله: حرمان الظالمين منها، ولاية الله: حرمان

الکافرین منها، ولایة الله: شروطها، ولایة الله: للملائكة، ولایة الشيطان، ولایة الظالمین لبعضهم، الولاية على السفیه، الولاية فی القصاص، ولایة القرابة، ولایة الکافرین لبعضهم، الولاية لله وحده، الولاية من دون الله: بطلانها، ولایة المومنین لبعضهم؛  
**ی** - الید: بمعنی السلطان، الید: بمعنی القدرة، الید: بمعنی القوة، الیأس، الیسر، الیهود، الیهود: اشعالهم للحروب، یوسف مع الملک.

## ۲- سیاست در آیات مکی

در این باره از کتاب «اصول الفکر السیاسی فی القرآن المکی»، از تألیفات دکتر عبدالقادر حامد التیجانی یاد کرده، درباره آن صحبت می‌کنیم.  
 انگیزه اساسی آقای دکتر تیجانی در نگارش کتاب مورد بحث؛ یعنی: «اصول الفکر السیاسی فی القرآن المکی»، این مسأله بوده است که توسط برخی مستشرقان و پژوهشگران تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام، نسبت به وجود مباحث سیاسی در آیات نازل شده بر پیامبر اسلام (ص)، قبل از هجرت به مدینه (تعریف پذیرفته شده از سوی مؤلف درباره آیات مکی) اظهار تردید و بعضاً انکار شده است. آقای تیجانی سعی نموده است تا نشان دهد که بنیادهای تفکر سیاسی در اسلام در آیات مکی مورد توجه قرار گرفته است.

«مونتگمری وات» و «گولدزیهر» از کسانی هستند که ادعای مذکور را بیش از دیگران بسط داده‌اند. بنابه نظر اینان، در آیات مکی فقط به مسأله آخرت توجه شده است و نکته‌ای در باب سیاست و مسایل مربوط به تدبیر دنیایی و یا تشکیل حکومت اسلامی و امثال آن نیامده است. اینان زمینه کشت بذر نظام علمانی و سکولاریستی را در عالم اسلامی فراهم آورده‌اند. عقیده فوق در میان بسیاری از مسلمانان نیز به عنوان یک اصل بدیهی رواج یافته است.

استدلالاتی نویسنده، عمدتاً مقایسه‌ای است. به نظر وی، همان طور که نظریات افلاطون، ارسطو، هگل، فویرباخ، کارل مارکس و سایر متفکران غربی درباره انسان و جهان، تأثیر مستقیمی بر اندیشه‌های سیاسی داشته است، نظریه توحید و یکتاپرستی در

اسلام نیز تأثیر اساسی در شکل دهی اندیشه سیاسی اسلام داشته است؛ چنانکه دیدگاههای اسلام دربارهٔ انسان و جهان و خالق جهان - که تماماً در مکه ارائه شده است - در واقع سیاست اسلامی را شکل داده است. به نظر دکتر تیجانی، حتی اصل حکومت و ضرورت آن نیز در آیات مکی مورد توجه قرار گرفته است. وی از جمله به آیه هشتاد و سه سوره الاسراء استناد کرده است. آیه مذکور چنین است:

«وَقُلْ رَبِّ أَدْخُلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَل لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.»  
آنچه مورد استشهد تیجانی است، بخش پایانی آیه است. «سلطاناً نصیراً» یک بار در قرآن آمده است و آن هم در همین آیه است. به نظر تیجانی، «سلطان نصیر» مساوی و هم معنی با دولت و نظام سیاسی است. البته در مواردی، تعبیر «سلطان» و یا «سلطان مبین» در آیات به کار رفته است که مراد، «دلیل» و «بیّنه» و «برهان» است. در آیه‌ای که آمد، پیامبر (ص) به دستور خداوند باید از خدا تقاضایی بکند. این تقاضا چیزی نیست جز توفیق تشکیل یک نظام سیاسی که با قدرت خویش پشتیبان فعالیت‌های تبلیغی و رسالت پیامبر (ص) باشد.

بخش اصلی کتاب تیجانی به تجزیه و تحلیل آیات سوره اعراف، که سوره‌ای مکی است، اختصاص دارد. به نظر وی، در سوره اعراف، تمام چیزهایی که برای بنیاد تفکر و عمل سیاسی لازم بوده، آمده است. وی آیات سوره اعراف را از این منظر، در سه گروه طبقه بندی کرده است.

**الف - آیاتی که به توصیف انسان می‌پردازد.** بر طبق این آیات، انسان مخلوق خدا و نیز مأمور از سوی خدا است. زمین در تسخیر انسان قرار داده شده و انسان موظف است زندگی خود را از آن، تأمین کند. نیز انبیا از سوی خدا آمده‌اند تا وظایف انسان را به او گوشزد کنند. در ادامه آیات، به نتایجی که بر مأموریت انبیا متفرع شده، اشاره شده است.

**ب - تجارب انبیای الهی؛** از جمله: نوح، هود، صالح، لوط، شعیب و موسی از مواردی است که در آیات سوره اعراف بر آنها تأکید شده است. همه این انبیا در جهت تشکیل یک جامعهٔ متشکل انسانی حرکت کرده‌اند؛ اما در عمل با مخالفت جمعی از انسانها بر خورد نموده‌اند. گروهی به یاری آنها برخاستند و متقابلاً، گروهی آنان را

تکذیب کرده‌اند. این حقیقت و واقعیت در سراسر تاریخ انبیا جاری است.

**ج -** در این گروه از آیات، مکیان مخاطب قرار گرفته‌اند و به آنها توصیه شده است که از این تاریخ پرفراز و نشیب درس بگیرند و به تکذیب پیامبر اسلام (ص) نپردازند. از او حمایت کرده و در جهت تشکیل یک امت اسلامی، تلاش لازم را به عمل آورند.

تیجانی سعی کرده است دیگر آیات مربوط به هر یک از گروه‌های مذکور را نیز مورد توجه قرار دهد. بر همین اساس، در بخش ملحقات کتاب خویش این آیات را فهرست کرده است.

در مجموع، آنچه تیجانی ارائه نموده، از نادرترین و ارزشمندترین کارهایی است که تا کنون در موضوع «سیاست در قرآن»؛ در اختیار ارباب معرفت و اندیشه سیاسی قرار گرفته است. ضمن بشارت به خوانندگان محترم که به زودی ترجمه بخشهایی از کتاب حاضر، منتشر خواهد شد، آرزو می‌کنیم که شاهد آثار علمی قوی‌تری در این حوزه باشیم.

### ۳- دیگر آثار سیاسی قرآنی

**الف:** آیت الله مکارم شیرازی، جلد دهم از تفسیر موضوعی پیام قرآن را به موضوع حکومت اسلامی در قرآن اختصاص داده است. در این تفسیر مباحث زیر مطرح شده است: پیوند امامت و حکومت، ضرورت حکومت، انواع حکومت، اهداف حکومت اسلامی، ماهیت حکومت اسلامی، اخباری بودن ولایت یا انشایی بودن آن، ولایت یا وکالت، رابطه دین و حکومت در قرآن، پایه‌های حکومت اسلامی، نظام قانون‌گذاری اسلام، مجلس شورا و انتخاب نمایندگان، چگونگی انطباق مجلس شورا بر موازین مشورت اسلامی، نظام اجرایی حکومت اسلامی در عصر پیامبر (ص)، صفات و شرایط مسؤولان اجرایی، شرایط کارگزاران حکومت اسلامی، ترکیب نظام اجرایی، فرهنگ حاکم بر حکومت اسلامی، چگونگی انتخاب رئیس نظام اجرایی، نظام قضایی در حکومت اسلامی، حدود و تعزیرات در اسلام، احکام زندان در اسلام، فلسفه و اقسام زندانها، رفتار با زندانیان، اداره حسبه و امر به معروف و نهی از منکر، تعلیم و تربیت در



حکومت اسلامی، نقش مطبوعات در حکومت اسلامی، نیروهای دفاعی و قوای مسلح، جهاد، انواع جهاد، آداب جهاد، صلح، اسیران جنگی، رابطه مسلمانان و غیر مسلمانان، اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلامی و حکومت اسلامی و سازمانهای اطلاعاتی.<sup>(۶)</sup>

ب: ابوالاعلی مودودی (متوفای ۱۹۷۹ م.) در کتاب *الاسلام فی مواجهة التحديات المعاصرة*<sup>(۷)</sup> طرح نظام اسلامی خود را که نتیجه ضروری نظریه انقلاب اسلامی اوست، از آیات قرآنی استخراج کرده است. این آیات که تمامی آن در سوره اسراء آمده است، از این قرار است:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا أُمََّّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۲۳) وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ أَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (۲۴) رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوْبِينِ عُقُورًا (۲۵) وَءَاتَ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا (۲۶) إِنْ أَلْمَبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (۲۷) وَإِمَّا تَعْرِضْ عَنْهُمْ أِتِبْغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا (۲۸) وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا (۲۹) إِنْ رَبُّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۳۰) وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَتْ خِطَاءً كَبِيرًا (۳۱) وَلَا تَقْرَبُوا أَلزَّامِي إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (۳۲) وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلْيُتْرَفْ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (۳۳) وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنْ الْعَهْدُ كَانَ مَسْئُولًا (۳۴) وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۳۵) وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنْ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عِنْدَهُ مَسْئُولًا (۳۶) وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (۳۷) كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا (۳۸) ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا (۳۹)»

ترجمه: «و پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید.

هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سنّ پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار؛ و بر آنها فریاد مزین؛ و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو (۲۳) و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر؛ و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.» (۲۴) پروردگار شما از درون دلهایتان آگاه تر است؛ (اگر لغزشی در این زمینه داشتید) هرگاه صالح باشید (و جبران کنید) او بازگشت کنندگان را می بخشد. (۲۵) و حقّ نزدیکان را پرداز، و (همچنین حقّ) مستمند و وامانده در راه را؛ و هرگز اسراف و تبذیر مکن، (۲۶) چرا که تبذیر کنندگان، برادران شیاطینند، و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود. (۲۷) و هرگاه از آنان [مستندان] روی برتابی، و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی)، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو. (۲۸) هرگز دست را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حدّ (نیز) دست خود را مگشای، که مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرومانی. (۲۹) به یقین پروردگارت، روزی را برای هر کس بخواهد، گشاده یا تنگ می دارد؛ او نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست. (۳۰) و فرزندانان را از ترس فقر نکشید؛ ما آنها و شما را روزی می دهیم؛ مسلماً گشتن آنها گناه بزرگی است؛ (۳۱) و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است! (۳۲) و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز به حقّ. و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیّ اش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکنند، چرا که او مورد حمایت است. (۳۳)، به مال یتیم، جز به بهترین راه نزدیک نشوید، تا به سر حدّ بلوغ رسد. و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می شود. (۳۴) و هنگامی که پیمان می کنید، حقّ پیمان را ادا نمایید، و با ترازوی درست وزن کنید. این برای شما، بهتر و عاقبتش نیکوتر است. (۳۵) از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤولند. (۳۶) و روی زمین، با تکبر راه مرو؛ تو نمی توانی زمین را بشکافی، و طول قامت هرگز به کوهها نمی رسد. (۳۷) همه اینها، گناهِش نزد پروردگار تو ناپسند است. (۳۸) این (احکام)، از حکمتهایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده؛ و هرگز معبودی با خدا قرار مده، که

در جهنم افکنده می شوی، در حالی که سرزنش شده، و رانده (درگاه خدا) خواهی بود. (۳۹) (۸)

وی، همان گونه که حمید عنایت نیز به درستی اشاره کرده است<sup>(۹)</sup>، در پروراندن اندیشه نظام اسلامی اش، فقط این آیات را ذکر کرده است و اشاره یا استنادی به احادیث یا سایر منابع ندارد. این آیات، مدنی بوده و احکام مربوط به نهادهای اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حکومت و جامعه نوپای اسلامی را تبیین کرده‌اند.

قواعد و اصول قابل استخراج از آیات مذکور، از این قرار است:

- ۱- حکومت اسلامی مبتنی بر فکر توحیدی است و بنابراین، قواعد رفتار بشر و مبانی حکومت از سوی خدا و در انحصار خداست.
- ۲- خانواده، مقام مهمی در نظام اجتماعی دارد و احترام به پدر و مادر، یک وظیفه شرعی بوده و بنابراین، از مهمترین وظایف حکومت اسلامی آن است که تدبیرهایی در جهت استحکام روابط خانوادگی اتخاذ نماید.
- ۳- مردم در حکومت اسلامی، لازم است از روحیه تعاون و ایثار برخوردار باشند و با پرهیز از اسراف، دادن صدقات واجب (خمس و زکات) و مستحب (انفاق)، وقف و امثال آن، به هموعان خود کمک نمایند. بنابراین، مردم در قبال یکدیگر مسؤولند.
- ۴- مشی زندگی باید معتدلانه باشد. افراط و تفریط در فقر و غنا چیز مطلوبی نیست.
- ۵- کنترل جمعیت از طریق «کشتن فرزندان و سقط جنین» جنایت است.
- ۶- اعمال منافی عفت؛ از قبیل: زنا و تمامی علل و عواملی که منجر به چنین اعمالی شود، ممنوع است و لازم است حکومت اسلامی در این جهت اهتمام لازم را بنماید.
- ۷- هیچ انسانی را حکومت اسلامی نمی‌کشد، مگر به دلایل قانونی و معتبر شرعی که عبارتند از: قتل، دشمنی و جنگ با مسلمانان، اقدام در جهت براندازی نظام اسلامی، زنا، محصنه و ارتداد (یا خیانت بزرگ)؛ اجرای مجازات برای گروههای مذکور، صرفاً در اختیار حکومت است، آن هم بدون افراط و تفریط. و افراد یا نهادهای خارج از حکومت اسلامی مجاز به هیچ نوع خشونت نیستند.

۸- حقوق یتیمان و مستمندان باید رعایت شود.

۹- به قول و وعده و پیمان باید عمل شود. همچنین، قرار دادهای تجاری باید محترم شمرده شود.

۱۰- هیچ کس را به صرف سوء ظن و شک و تردید، نمی توان توقیف، شکنجه یا زندانی کرد. نظارت و رفتار مأموران امنیتی باید مبتنی بر شواهد محکم باشد.

۱۱- لازم است رفتار مسلمانان از هرگونه شائبه تکبر و خودنمایی خالی باشد.

۱۲- امور مذکور در روابط بین المللی نیز همچون روابط داخلی، حاکم است.<sup>(۱۰)</sup>

**ج: قدرت، کلیدی ترین مفهوم در دانش سیاسی است؛ به طوری که برخی از عالمان علم سیاست موضوع این علم را قدرت دانسته اند.<sup>(۱۱)</sup> این مفهوم اخیراً توسط یکی از پژوهشگران رشته مدیریت، از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه مورد پژوهش قرار گرفته است. برای آشنایی با بررسی مفهومی در آیات قرآن، مراجعه به منبع مذکور مفید است. قدرت دارای چهره های مختلفی است.<sup>(۱۲)</sup> از یک نگاه می توانیم از قدرتهای تنبیه، پاداش، منتسب (کاریزماتیک) و تخصصی یاد کنیم. در قرآن، تمامی چهره های مذکور از قدرت، که مورد توجه جدی متفکران علم سیاست، فلسفه سیاسی، جامعه شناسی سیاسی و مدیریت است، مورد توجه قرار گرفته و برای هر یک، ترتیب، جایگاه، و کار برد خاصی در نظر گرفته شده است. برای نمونه به برخی از آیات اشاره می شود:**

اول: قدرت تنبیه: از این قدرت بانامهای مختلفی از قبیل: قدرت زور، قدرت قهریه و قدرت اجبار یاد می شود. «این قدرت، اصولاً بر ترس متکی است و عکس العمل شخص در برابر این قدرت، به خاطر ترس از پیامدهای منفی حاصل از مطیع نبودن شخص است.» این قدرت شامل آزار رساندن، ایجاد نقص عضو، کشتن و امثال آن است. در قرآن، این قدرت به رسمیت شناخته شده و تمامی آیات مربوط به عذاب و جهنم و هلاکت امتهای ظالم در همین بخش قرار می گیرد.

«وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ.»<sup>(۱۳)</sup>

«و ما اقوام و ملت های قبل از شما را هنگامی که ستم کردند و پیامبران شان با دلایل روشن

به نزد آنها رفتند و آنان ایمان نیاوردند، هلاک کردیم. این گونه تبه‌کاران را کيفر می‌دهیم.»

«من یشاقق الله و رسوله فانّ الله شديد العقاب»<sup>(۱۴)</sup> «هر کس با خدا و رسولش مخالفت ورزد پس (بترسد که) همانا عذاب خداوند شدید و سخت است.»  
دوم: قدرت پاداش: این قدرت بستگی دارد به در اختیار داشتن امکان توزیع و تقسیم یک چیز ارزشمند. اعطای پاداشهای دنیوی و اخروی و بویژه بهشت، تقرّب به خدا و امثال آن، از جمله پاداشهایی است که مورد توجه آیات الهی است.  
«امنوا بالله و رسوله و انفقوا ممّا جعلکم مستخلفین فیہ فالذّین آمنوا منکم و انفقوا لهم اجر کبیر.»<sup>(۱۵)</sup>

«به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه خداوند شما را در آن جانشین قرار داده، انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کنند، برای ایشان پاداش بزرگی است.» «تلك حدود الله و من یطع الله و رسوله یدخله جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و ذلک الفوز العظیم.»<sup>(۱۶)</sup>

«اینها حدود (مرزهای) خداست و هر کس خدا و رسولش را اطاعت کند (خداوند) او را در بهشت‌هایی وارد می‌کند که از زیر (درختان) آنها، نهرها جاری است و آنان در آن جاودانه‌اند و این است کامیابی بزرگ.»

«و الذّین آمنوا و عملوا الصّالحات اولئک اصحاب الجنّة هم فیها خالدون»<sup>(۱۷)</sup>  
«و کسانی که ایمان آورند و اعمال نیک و صالح انجام دهند، ایشان اصحاب بهشتند و در آن جاودانه خواهند بود.»

سوم: قدرت تخصص: قدرت تخصص از دانش و مهارت خاص سرچشمه می‌گیرد.  
«قالوا یا موسی امان تلقی و امان نکون نحن الملقین. قال القوا فلما القوا سحروا عین النّاس و استرهبوهم و جاؤا بسحر عظیم. و اوحینا الی موسی ان الق عصاک فاذا هی تلقف ما یأفکون. فوق الحقّ و بطل ما کانوا یعملون. فغلبوا هنالک و انقلبوا صاغرین. و القی السّحرة ساجدین. قالوا امّنا ربّ العالمین.»<sup>(۱۸)</sup>

«(ساحران) گفتند: ای موسی! آیا تو (عصایت را) می‌اندازی یا ما بیندازیم؟ گفت:

شما بیندازید. پس وقتی انداختند، دیدگان مردمان را سحر کردند و آنها را ترساندند و جادویی بزرگ آوردند (نشان دادند) و ما به موسی وحی کردیم که عصایت را بینداز. پس ناگهان فرو برد آنچه که (ساحران) به دروغ آوردند. پس حق واقع شد و باطل گشت آنچه (ساحران) می کردند. پس شکست خوردند و در حالی که سرافکننده بودند، باز گشتند. و ساحران به سجده افتادند و گفتند: ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان.»

«أم یقولون افتریه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتریات و ادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین. فان لم یتجیبوا لکم فاعملوا انما انزل بعلم الله و ان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون.» (۱۹)

«آیا کافران می گویند این قرآن، وحی الهی نیست و خود او به هم بافته است و به خدا نسبت می دهد. بگو اگر راست می گوید، هر کس را می توانید دعوت کنید (و با کمک هم) ده سوره مانند آن بیاورید. پس اگر (کافران) به شما جواب ندادند، پس بدانید که هر آینه این قرآن به علم خداوند نازل شده است و خدایی جز او نیست. پس آیا (شما مردم) تسلیم (امر خدا و رسول) خواهید شد.»

چهارم: قدرت منتسب: از این قدرت، به Referent power، قدرت الگویی و قدرت مرجعیت نیز تعبیر شده است. همچنین اصطلاح قدرت کاریزماتیک charismatic power تعبیر دیگری از همین مفهوم است که در فارسی به قدرت فره نیز موسوم است. منشأ این قدرت، ویژگیهای شخصی است. مریدان رهبر را دوست دارند و به او عشق می ورزند و بنابراین، می خواهند او را اسوه و مرجع و الگوی خود قرار دهند و دستورات او را بدون چون و چرا بپذیرند.

نویسنده کتاب قدرت در مدیریت اسلامی، در این بخش، به آیاتی استناد کرده است که عمده متضمن اسماء الله و توصیف خداوند متعال است از قبیل:

«هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون.»

«اوست خداوند یکتایی که غیر او خدایی نیست، سلطان، پاک (از هر نقص و پاکی) سلامت (از هر عیب)، ایمنی بخش، نگهبان (جهان و جهانیان)، غالب و قاهر، با جبروت و عظمت، بزرگی کننده، پاک و منزّه است از هر آنچه بر او شریک پندارند.»

به نظر می‌رسد که نویسنده محترم در توضیح و توصیف این چهره از قدرت آن طور که باید، موفق نبوده است. به هر حال در اصل این مطلب که قدرت کاریزماتیک نیز در قرآن مدنظر قرار گرفته است، تردیدی نیست.<sup>(۲۰)</sup>

د: یکی از مفاهیم کلیدی حکمت عملی و سیاست مدن، «عدالت» است. محور اساسی تفکر فیلسوفان سیاسی کلاسیک، عدالت بوده است. در جهان اسلام نیز بر عدالت تأکید زیادی شده است. از رساله‌های پرارزش در حوزه تفکر سیاسی در قرآن، رساله آیات الظالمین آیت الله العظمی سید عبدالحسین لاری (۱۲۶۴-۱۳۴۲ ه.ق) است. از آیت الله لاری رساله‌های سیاسی متعددی به یادگار مانده است؛ از جمله: رساله قانون مشروطه مشروعه، قانون اتحاد ملت و دولت، قانون اداره بلدیه، احکام جهاد، بیانیه دفاعیه در جنگ بین الملل اول، رساله سؤال و جواب از مصرف اجناس خارجی، ولایة الفقیه، تعلیقه علی رساله التقیه للشیخ الانصاری، تعلیقه علی رساله العدالة للشیخ الأنصاری را می‌توان نام برد.<sup>(۲۱)</sup> اما رساله آیات الظالمین، جایگاه خاصی در میان رسائل مذکور دارد. در این رساله، تمامی آیاتی که به نظر مؤلف بر حرمت و قبح ظلم دلالت داشته‌اند، یکجا جمع آوری شده‌اند. به نظر سید لاری، سرچشمه تمامی خیرات عدل است، چنان‌که تمامی بدبختیها و شرارتها از ظلم برمی‌خیزد.

«مقتضای تمام ادله قطعی و مستقلات عقلیه محکّمات و کتاب و سنن نبویّه، این است که تمام کائنات عالم از جمادات و نباتات و حیوانات، من یعقل و غیر من یعقل، تمام آنچه هستی و نیستی دارند، از ترقیات و تنزلات و سعادت و شقاوات و خیرات و شرورات و حلویات و مرورات، تماماً و کمالاً به واسطه قرب و بُعد حصولی و تکوینی، یا تحصیلی و تکلیفی که به مبدأ و خیر و شرّ و نور و ظلمت و حُسن و قبح و نقص و کمال دارند. و چنانچه تمام ترقیات و سعادت و خیرات و حلاوات تمام اشیا ناشی از قرب حصولی یا تحصیلی به مبدأ خیر و نور و حسن و عدل است، همچنین تمام آن منشآت خیریه و نوریه و حسنیّه و عدلیّه، منتهی و راجع به مرکز خیر و حسن و عدل و کمال است، که فوز به حیات ابدی و جنّات سرمدی است. و چنانچه تمام تنزلات و شقاوات و شرورات و مرورات ناشی از

قرب حصولی یا تحصیلی به مبدأ شرّ و ظلمت و قبیح و نقص است، همچنین تمام آن منشآت شرّیه و ظلمانیه و قبیحه و نقصیه، منتهی و راجع به مرکز شرّ و ظلمت و قبیح و نقص [است] که خلود در حجیم و عذاب الیم است.»<sup>(۲۲)</sup>

برخی از آیات مورد بحث از این قرار است:

- ۱- ولا تتركوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار (۲۳)
- ۲- فلا تتعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين (۲۴)
- ۳- والله لا يحب الظالمين. (۲۵)
- ۴- و تعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الأثم والعدوان. (۲۶)
- ۵- و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون. (۲۷)
- ۶- ولا تبخسوا الناس اشياءهم ولا تعثوا في الأرض مفسدين. (۲۸)



## پی نوشت ها:

۱. محمد هادی معرفت، تاریخ قرآن، سمت، تهران، ۱۳۷۵، ص ۴۹.
۲. همان، صص ۴۹-۵۶.
۳. عبدالقادر حامد التیجانی، اصول الفكر السياسي في القرآن المكي، المعهد العالمي للفكر الاسلامي، (عمان، ۱۴۱۶هـ.) ص ۱۹.
۴. همان، دکتر تیجانی به نظر گولدزیهر و دیگران، در همین زمینه اشاره کرده است. ر.ک، به: صفحات ۲۳-۲۴.
۵. این معجم با اشراف محمد عدنان سالم و همکاری محمد بنام رشدی الزین فراهم آمده و به همراه کتاب التفسیر الوجیز منتشر شده است. مشخصات کامل اثر از این قرار است: الاستاذ الدكتور وهبة الزحيلي، التفسیر الوجیز و معجم معانی القرآن العزیز، الطبعة الاولى، دار الفكر و دارالفکر المعاصر، سوریه، دمشق، ۱۴۱۶ هـ.
۶. آیت الله ناصر مکارم شیرازی، با همکاری جمعی از دانشمندان، پیام قرآن، جلد دهم: قرآن مجید و حکومت اسلامی (قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۷۵).
۷. ابوالاعلی مودودی، الاسلام فی مواجهة التحديات المعاصرة، (کویت: ۱۳۹۱ ش، ۱۹۷۱م) صص ۲۲۹-۲۴۰. حمید عنایت اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، چاپ دوم، ترجمه بهاء الدین خرماشاهی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی)، صص ۱۸۰-۲۰۰.
۸. اسراء، ۲۲-۳۹.
۹. عنایت، پیشین، ص ۱۸۹.
۱۰. اصول و قواعد مذکور توسط حمید عنایت نیز استخراج شده است. بنگرید به، عنایت، پیشین، صص ۱۸۹-۱۹۱. نگارنده از مأخذ مذکور استفاده کرده است.
- برای مطالعه بیشتر درباره اندیشه سیاسی مودودی ر.ک. به: الاسلام اليوم، کویت، ۱۹۷۳. مسألة ملكية الارض في الاسلام، کویت، ۱۹۶۹. ماهی القادینیه، کویت، ۱۹۶۷. مفاهیم اسلامیه حول الدین والدوله، کویت، ۱۹۷۴.
۱۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، (چاپ دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸) و موریس دو ورژه، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی.
۱۲. برای مطالعه چهره های قدرت ر.ک. به: محمد رضا تاجیک، فرامدرنیسم و تحلیل گفتمان، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸) صص ۳۵-۶۴.

۱۳. یونس، ۱۳.

۱۴. انفال، ۱۳.

۱۵. حدید، ۷.

۱۶. نساء، ۱۳.

۱۷. بقره، ۸۲.

۱۸. اعراف، ۱۱۵ - ۱۲۱.

۱۹. هود، ۱۳ - ۱۴.

۲۰. برای مطالعه تفصیلی ر.ک. به: محمد مهدی نادری قمی، قدرت در مدیریت اسلامی (قم: مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۸).

۲۱. مجموعه رسائل سید لاری توسط آقای سید علی میر شریفی در سه جلد منتشر شده است. آیت الله العظمی سید

عبدالحسین لاری، رسائل سید لاری، تحقیق: سید علی میر شریفی، چاپ اول، (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، تابستان ۱۳۷۷). رساله آیات الظالمین در جلد اول مجموعه حاضر منتشر شده است.

۲۲. سید لاری، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲۳. هود، ۱۱۳.

۲۴. انعام، ۶۸.

۲۵. آل عمران، ۵۷.

۲۶. مائده، ۲.

۲۷. مائده، ۴۵.

۲۸. هود، ۱۰۲.